نگاه سیاستمدار

از گروه ۸ چه انتظاراتی داریم

ولادیمیر پوتین*
ترجمه : نیره محمودی

پیش از برگزاری اجلاس گروه ۸ در پترزبورگ فرصت را غنیمت می شمرم و نقطه‌نظراتم را در مورد امور پیش رو با شما در میان گذاشته و دستاوردهایی که امید دستیابی به آنها را داریم برمی شمرم . از زمانی که جی۷ به گروه قدرتمند جی۸ تبدیل شد، کشور ما در راستای توسعه به نتایج درخشانی دست یافته است . ما هم‌اکنون دارای بالاترین نرخ های رشد ناخالص ملی در جی۸، صنایع به سرعت در حال رشد، تجارت خارجی مقتدر و ذخایر پولی و طلای عظیم هستیم . موقعیت روسیه به عنوان یکی از اصلی ترین کشورهای وام گیرنده اکنون دیگر جزیی از تاریخ است . پنج سال پیش ما نه تنها تصمیم قاطع گرفتیم تا روی پای خودمان بایستیم، بلکه به طور پیوسته دیون خارجی خود را پرداخت کنیم . این تلاش در زمانی که روسیه اصلاحات را تجربه می کند، آسان نبود . با خوشحالی اعلام می کنیم که از عهده این کار برآمده‌ایم و اکنون به وام‌دهنده فعال تبدیل شده‌ایم . برهمین اساس توانایی مان در تاثیرگذاری مثبت بر امور بین المللی ارتقا یافته است . اکنون تمام شرکای ما در جی۸ به ضرورت و اهمیت فزاینده حضور روسیه در رویدادهای بین المللی معترف هستند . ما بسیار خرسندیم که شرکایمان پیشنهاد ما در مورد تمرکز مباحث اجلاس سران جی۸ بر روی سه موضوع اصلی را مورد حمایت قرار داده‌اند . موضوعاتی که تعیین کننده کیفیت زندگی میلیون‌ها انسان هستند . این موضوعات عبارتند از : امنیت جهانی انرژی، مبارزه علیه امراض واگیردار و توسعه آموزش . ما امنیت انرژی را انتخاب کردیم، زیرا انرژی به عاملی کلیدی در پیشرفت اقتصادی و سیاسی تبدیل شده است . دنیای امروز آنقدر درهم تنیده و به هم وابسته نشده است که بتواند تکبر و غرور انرژی را تحمل کند . تلاش مشترک ما این خواهد بود که منابع مختلف انرژی پایدار، درازمدت و مبتنی بر احترام به محیط زیست را برای اقتصاد دنیا تضمین کنیم . توجه ویژه‌ای باید به توسعه بیشتر انرژی هسته‌ای مبذول شود . اگر ما نگران آینده هستیم، باید توجه زیادی را به این بحث معطوف کنیم به گونه‌ای که موضوعاتی نظیر تضمین امنیت اقتصادی و سیاسی انرژی اتمی را نیز دربرگیرد . گزینه قدرت هسته‌ای باید در دسترس تمام کشورهایی که خواهان آن هستند، قرار گیرد . روسیه می تواند سهم مهمی را در حل و فصل مشکلات مربوط به کمبود انرژی و ذخیره آن برعهده گیرد . امراض واگیردار دومین مبحث اصلی در اجلاس سران جی۸ است . این امراض امروزه عامل اصلی در یک مرگ از هر سه مرگ در کره خاکی است . ایدز همچنان لاعلاج باقی مانده و مقاومت جسمانی نیز در مقابل داروهای مربوط به درمان سل و مالاریا افزایش یافته است . این وضعیت با ظهور امراض جدید به‌ویژه آنفلوآنزای مرغی و ذات‌الریه جدید بدتر می شود . امراضی که در کشورهای کمترتوسعه‌یافته شیوع پیدا کرده، فقر را به این کشورها آورده و میلیون‌ها نفر را از خود متاثر نموده است . جی۸ نمی تواند به مشکلاتی چنین فجیع بی تفاوت باشد . آموزش نیز در جهان از اهمیتی حیاتی برخوردار است . ایجاد و به‌کارگیری دانش جدید به عنصری حیاتی برای پیشرفت اقتصادی تبدیل شده است . به همین دلیل است که بهبود کیفیت و کارآمدی نظام‌های آموزشی کشورها که آنها را به سوی ایجاد جامعه جهانی نوآور و خلاق رهنمون خواهد بود، بسیار اهمیت دارد . روسیه به‌عنوان رئیس جی۸ یکی از حامیان سرسخت چنین نوآوری‌هایی است . فراتر از این موضوعات، ما اطمینان داریم که می توانیم همکاری خود را در زمینه جلوگیری از تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و مبارزه با تروریسم بین‌الملل، سرقت اطلاعات و کالاهای جعلی گسترش دهیم . ما همچنین می توانیم همکاری خود را در زمینه کمک به توسعه اقتصادی- سیاسی کشورهای فقیر، از همه مهمتر آنهایی که در قاره آفریقا هستند، افزایش دهیم . من معتقدم که موضوعات سیاسی مورد بحث در اجلاس سران جی۸ مملو از مباحث سنگین است . مایلم تاکید کنم که مواضع روسیه و آمریکا در مورد مشکل اتمی ایران اخیراً بیشتر به هم نزدیک شده است و هر دو به این نتیجه رسیده‌اند که این موضوع باید در وهله اول از طریق ابزارهای سیاسی فیصله یابد . من از تصمیم شجاعانه بوش برای پیوستن به مذاکرات مستقیم با تهران قدردانی می کنم . ما همچنین برای گسترش همکاری در مورد مبارزه با تروریسم به توافق رسیده‌ایم . ما قصد داریم تلاش هایمان را بر روی توسعه زیرساخت قانونی، مقابله با کمک های مالی و تبلیغات برای تروریسم از جمله تبلیغات در فضای مجازی متمرکز کنیم . ما امیدواریم که نقش رهبری سازمان ملل در تحکیم تلاش های چندجانبه در مبارزه علیه تروریسم مجدداً مورد تائید قرار گیرد و راه‌های ویژه افزایش تاثیرگذاری این سازمان تعیین و اعلام شود . موضوعات مربوط به فرونشاندن نزاع‌ها و بحران‌های منطقه‌ای در نقاط مختلف دنیا از جمله موارد مورد بحث در اجلاس است . توجه ویژه‌ای به موضوع خاورمیانه مبذول خواهد شد که تلاش های جدیدی در این راستا برای تغییر روند منفی و کنترل رویدادها در چارچوب نقشه راه صلح ضرورت دارد . این بسیار ضروری است که جی۸ همچنان در گفت‌وگو با کشورهای عمده در حال توسعه و سازمان‌های منطقه‌ای بزرگ، موضعی باز داشته باشد . بر همین اساس در راستای نشست‌ها و مذاکراتی که برای اجلاس جی۸ در نظر گرفته شده قرار است که دیدارهایی با رهبران برزیل، هند، چین، مکزیک، آفریقای شمالی و موسسات منطقه‌ای بزرگ از جمله کشورهای مستقل و هم‌سود و اتحادیه آفریقا صورت پذیرد . این تنها راه تضمین کارآمدی اجلاس سران جی۸ و تائید نقش جامع رهبری آن است . پیش از برگزاری این اجلاس با نمایندگان سازمان‌های غیردولتی جهان ملاقات کرده و با شرکت‌کنندگان با اجلاس جهانی رهبران مذهبی در مسکو گفت‌وگو کردم . در این دیدارهای مهم بر اهمیت انکارناپذیر گفت‌وگو میان جامعه مدنی و جی۸ تاکید شد . من معتقدم که کشورهای جی۸ با میل و رغبت با جست‌وجو برای یافتن پاسخ هایی در برابر چالش ها و تهدیدات امروز انسجام خود را در پترزبورگ به نمایش خواهند گذاشت . من فکر می کنم که مهمترین ملاک برای ارزیابی اجلاس گروه۸ قطعنامه‌های آن در مورد تمام کشورهای جهان و البته عزم و توان همگی ما در تاکید بر اجرای آنها است .

*رئیس جمهور روسیه

منبع : نیویورک تایمز

موقعیت اتمی آمریکا در قرن ۲۱

نگران نباشید؛ دوستدار بمب باشید!

کی یر آ. لیبر ، داریل جی . پرس
ترجمه : محمد حسین باقی

هر چه که نیروهای هسته‌ای روسیه بدتر می شود، ایالات متحده در حال بهبود توانایی هایش برای ردیابی موشک های سیار و زیردریایی ها است که اطمینان رهبران نظامی روسیه نسبت به بازدارندگی هسته‌ای شان را بدتر می سازد . (در سال ۱۹۹۸، این رهبران علناً تردیدهایی را درباره توانایی موشک های بالستیک زیردریایی روسی برای فرار از رهگیری ایالات متحده مطرح کردند) . به‌علاوه، تصمیماتی را برای کاهش تعداد نیروی موشک های بالستیک قاره‌پیمای زمینی اش تا ۳۵ درصد دیگر تا سال ۲۰۱۰ بیان کرده، متخصصین بیرونی پیش بینی می کنند که کاهش واقعی ۵۰ تا ۷۵ درصد باشد که احتمالاً تنها ۱۵۰ موشک بالستیک قاره‌پیما تا پایان دهه برای روسیه باقی می ماند که از میزان سال ۱۹۹۰ که تقریباً ۱۳۰۰ موشک بود کمتر است . هر چه که زرادخانه هسته‌ای روسیه بیشتر آب رود، برای ایالات متحده حمله اول بسیار آسان‌تر خواهد بود . برای تعیین اینکه توازن هسته‌ای از زمان جنگ سرد تاکنون به چه میزان دگرگون شده است، ما یک مدل کامپیوتری از حمله فرضی ایالات متحده به زرادخانه هسته‌ای روسیه با استفاده از فرمول های طبقه‌بندی نشده ترتیب داده‌ایم که تحلیلگران دفاعی مان دهه‌هاست از آن استفاده می کنند . ما کلاهک های هسته‌ای ایالات متحده را بر مبنای دو معیار به اهداف روسی اختصاص داده‌ایم : «دقیق‌ترین تسلیحات به سخت‌ترین اهداف» و «سریع‌ترین تسلیحات نیز برای نیروهای روسی» که می توانند به سرعت واکنش نشان دهند اختصاص داده شده است . به این دلیل که روسیه به حمله زیردریایی ها از اقیانوس آرام لزوماً آسیب‌پذیر است و در یافتن و ردیابی تاکتیک و خط حمله موشک های کروز مسلح به کلاهک هسته‌ای که در ارتفاع پائین حرکت می کند دچار مشکل بسیاری است، ما هر یک از سیستم های تسلیحاتی روسیه را با موشک های مستقر در زیردریایی ها یا موشک های کروز هدف گرفته‌ایم . یک حمله سازمان‌یافته اینچنینی به رهبران روسی تقریباً هیچ گونه هشداری نمی دهد .

این طرح ساده احتمالاً کم‌اثرتر از استراتژی واقعی واشینگتن است که دولت آمریکا دهه‌ها است برای تکمیل آن وقت صرف کرده است . طرح جنگی واقعی ایالات متحده در ابتدا خواهان هدف گرفتن سیستم فرماندهی و کنترل روسیه، انهدام ایستگاه‌های راداری، یا اتخاذ سایر اقدامات پیشگیرانه است - که تمام اینها نیروی واقعی ایالات متحده را مرگبارتر از مدل فرضی ما می نماید .

براساس مدل ما چنین حمله ضربتی ساده شده‌ای فرصت مناسب برای نابودی پایگاه‌های جنگی روسیه، زیردریایی ها و موشک های قاره‌پیمای بالستیک را خواهد داشت . این یافته مبتنی بر فرضیات واقعی یا سناریوهای غیرواقعی که در آن موشک ها دقیق عمل می کنند و کلاهک ها بدون شکست به اهداف ضربه می زنند نیست . ما نسبتاً از فرضیات استاندارد برای تخمین خطای احتمالی و حتی غیرقابل اعتمادی سیستم های سلاح های ایالات متحده استفاده می کنیم . به‌علاوه، مدل ما نشان می دهد که حتی اگر سلاح های آمریکایی ۲۰ درصد از آنچه که ما تصور می کنیم دقت کمتری داشته باشد یا سلاح های آمریکایی تنها ۷۰ درصد ضریب اطمینان داشته باشند یا حتی اگر زرادخانه موشک های بالستیک روسیه ۵۰ درصد سخت‌تر از آنچه که انتظار داریم باشد (حتی قوی‌تر و مقاوم‌تر در برابر حمله) با این حال تمام زرادخانه هسته‌ای استراتژیک روسیه نابود خواهند شد . (البته محاسبات طبقه‌بندی نشده‌ای که ما استفاده کردیم و ممکن است ظرفیت نیروهای آمریکا را درک کند، انجام حمله را احتمالاً موفقیت‌آمیزتر خواهد ساخت) .

صریح اینکه این بدین معنا نیست که ضربه اول به‌وسیله ایالات متحده تضمین کننده این است که در واقعیت کارگر باشد، چنین حمله‌ای مستلزم عدم قطعیت ها و تردیدهای بسیاری است . و البته بدین معنا هم نیست که چنین ضربه اولی بعید باشد . اما آنچه که تحلیل ما بیان می دارد عالی است : رهبران روسی دیگر نمی توانند بر بازدارندگی هسته‌ای قابل بقا حساب کنند . و حتی اگر آنها این دوره را سریعاً دگرگون سازند، آسیب‌پذیری روسیه طی زمان افزایش خواهد یافت .

البته زرادخانه هسته‌ای چین نسبت به حمله ایالات متحده بسیار آسیب‌پذیرتر است . حمله اول ایالات متحده حتی اگر به‌صورت حمله ضربتی آغاز شود می تواند موفق باشد چراکه چین زرادخانه هسته‌ای استراتژیک و محدودی دارد . ارتش آزادیبخش خلق اخیراً هیچ زیردریایی حامل موشک های بالستیک یا جنگنده‌هایی با برد طولانی ندارد . نیروی دریایی اش سابق بر این دو زیردریایی حامل موشک بالستیک داشت که یکی غرق شد و دیگری چنان ظرفیت اندکی دارد که هرگز از آب‌های چین فراتر نخواهد رفت و دیگر عملیاتی و قابل استفاده نیست . نیروی جنگنده‌های میان‌برد چین نیز دیگر بی تاثیر است : جنگنده‌ها از رده خارج و در برابر حمله آسیب‌پذیرند . بر اساس ارزیابی های غیرمحرمانه دولت آمریکا، تمام زرادخانه هسته‌ای قاره‌پیمای چین، متشکل از ۱۸ موشک بالستیک قاره‌پیمای غیرسیار و تک‌کلاهکه است . اینها هنگام هشدار آماده شلیک نیستند : کلاهک هایشان در انبار نگهداری می شود و خود موشک ها هم بدون سوخت هستند . (ICBMS)های چین از سوخت مایع استفاده می کند که موشک ها را پس از ۲۴ ساعت از بین می برد . تخمین زده می شود که سوخت رساندن به آنها دو ساعت به طول انجامد) . فقدان یک سیستم هشدار پیشرفته به آسیب‌پذیری ICBMها می افزاید . به نظر می رسد که چین اصلاً هیچ هشداری نسبت به حمله موشکی زیردریایی ها یا حمله با استفاده از صدها موشک کروز بی صدا و مسلح به کلاهک هسته‌ای ندارد .

بسیاری از منابع ادعا می کنند که چین تلاش برای کاهش آسیب‌پذیری موشک های بالستیک خود با ساختن زرادخانه‌های پراکنده کرده است . اما این پراکندگی شالوده‌ای محکم برای بازدارندگی فراهم نمی آورد . تقریباً یک‌هزار زرادخانه پراکنده و فریبی قلابی نیاز است که ضربه اول ایالات متحده به چین را همچون حمله به روسیه دشوار نماید و اطلاعات در دسترسی در مورد نیروهای هسته‌ای چین وجود ندارد که وجود حوزه‌های گسترده پراکنده را بیان دارد . و حتی اگر چین آنها را بسازد، فرماندهانش همیشه متعجب می شوند که آیا حسگرهای ایالات متحده می تواند تمایز میان زرادخانه‌های واقعی با زرادخانه‌های قلابی را از هم بازشناسد .

با وجود صحبت های بسیار پیرامون نوسازی نظامی چین فرصت هایی که پکن برای یک بازدارندگی هسته‌ای در دهه آینده کسب خواهد کرد، اندک است . تلاش های مدرنیزاسیون چین بر سلاح های متعارف متمرکز است و پیشرفت این کشور در مورد نوسازی هسته‌ای بسیار اندک بوده است . از اواسط دهه ۱۹۸۰، چین در تلاش بوده است که نسل جدیدی از موشک ها را برای زیردریایی های حامل موشک بالستیک و موشک های بالستیک قاره‌پیما توسعه دهد (DF-31s و DF-31A با برد بلند) که آنها را جایگزین نیروهای ICBM کند . پیش بینی وزارت دفاع آمریکا این است که چین ممکن است DF-31s را طی چند سال آینده به‌کار گیرد، هر چند که با پیش بینی ها باید با تردید برخورد شود : CIA اما بیان داشته که به‌کارگیری این موشک ها تقریباً در دهه‌های آینده خواهد بود . سرانجام حتی اگر به آنها دست یافته شود، DF-31s احتمال قوی آسیب‌پذیری چین را کم نخواهد ساخت . برد محدود موشک ها- که تنها ۸ هزار کیلومتر تخمین زده می شود (۴۹۷۰ مایل)- مناطقی را که این موشک ها می توانند در آنجا پنهان شوند را بسیار محدود کرده، دشواری یافتن آنها را کاهش دهد . موشک های DF-31s تنها در صورتی که در شمالی ترین گوشه چین مخصوصاً در استان هیلونژیانگ- نزدیک مرز روسیه- کره شمالی مستقر شود می تواند به ایالات متحده ضربه بزند . اما هیلونژیانگ کوهستانی است و بنابراین موشک ها تنها در همان چند صد کیلومتر مسیر هموار یا مسیرهای ساده و کوچک در مرکز استان قابل استفاده است . چنین محدودیت هایی آسیب‌پذیری موشک ها را افزایش داده و پرسش هایی در رابطه با اینکه آیا اصلاً می تواند سرزمین آمریکا یا اهدافی در روسیه و آسیا را هدف بگیرد، برمی انگیزد .

با بررسی تاریخ نوسازی هسته‌ای آرام چین تردیدآمیز می نماید که قدرت وارد آوردن ضربه دوم از سوی چین خیلی زود اتفاق افتد . ایالات متحده ظرفیت حمله اول در برابر چین امروز را دارد و باید تلاش کند که آن را برای دهه‌ها یا حتی بیشتر حفظ کند .

■ طرح هوشمندانه؟

آیا ایالات متحده تعمداً به‌دنبال برتری هسته‌ای است؟ یا برتری، محصول فرعی و تصادفی رقابت درون پنتاگون برای سهمیه بودجه یا برنامه های طراحی شده برای برشمردن تهدیدات جدید از سوی تروریست ها و به اصطلاح دولت های متقلب است؟ شناسایی این انگیزه‌ها همیشه دشوار است اما شواهد قوی بیان می دارد که واشینگتن در واقع عمداً در صدد برتری هسته‌ای است . به یک دلیل، رهبران نظامی همیشه به‌دنبال این هدف بوده‌اند و ماهیت تغییرات رخ داده در زرادخانه های فعلی و بیانیه های رسمی و سیاست ها از این نتیجه‌گیری حمایت می کنند . بهبود و پیشرفت در زرادخانه هسته‌ای آمریکا نشان‌دهنده این است که ایالات متحده فعالانه به‌دنبال برتری است . برای مثال نیروی دریایی در حال بهبود و ترفیع فتیله انفجاری کلاهک هسته‌ای W-76 است که بر روی موشک های شلیک شده از روی زیردریایی های ایالات متحده قرار می گیرد .

برنامه تحقیقاتی دیگر نیروی دریایی در صدد بهبود گسترده دقت موشک هایی است که از روی زیردریایی ها پرتاب می شود . (که پیش از این در میان دقیق‌ترین موشک ها در جهان بود .) حتی اگر این تلاش ها به هدف نرسد، هرگونه تغییری در دقت که با فتیله انفجاری زمینی ترکیب شود، مرگباری موشک ها را دو چندان خواهد کرد . این پیشرفت ها تنها زمانی معنا می یابد که موشک ها بتوانند تعداد زیادی از اهداف سخت را نابود کنند . با توجه به اینکه 2s-B ها جنگنده‌هایی بسیار نهانی هستند، دشوار است ببینیم که چگونه نیروی هوایی می تواند خطر افزایش آسیب به آنها را به این دلیل توجیه کند که این جنگنده‌ها در ارتفاعی بسیار پایین به پرواز درمی آیند که از دست شناسایی رادار دشمن در امان می مانند- مگر اینکه ماموریت، رسوخ به شبکه نیروی هوایی بسیار پیچیده و دشواری مثل روسیه یا شاید در آینده چین باشد .

طی جنگ سرد یک تبیین برای گسترش مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای این بود که رقابت سرویس های نظامی رقیب بر سر سهمیه بودجه آنها را به سویی کشاند که تسلیحات هسته‌ای بیشتری بسازند . اما ایالات متحده امروزه به‌دنبال کسب برتری با ساختن سکوهای گران‌قیمتی مثل SSBNs ها، جنگنده‌ها و یا ICBMS ها نیست . برنامه های اخیر نوسازی شامل پیشرفت های چشمگیر در سیستم های موجود است . بازیافت کلاهک ها و بازگشت مجدد ابزارها از موشک های بازنشسته MX نیروی هوایی (حتی گزارشاتی وجود دارد که کلاهک های اضافی MX ممکن است بر موشک های پرتاب شده از زیردریایی نیروی دریایی قرار گیرد) گونه‌ای از استفاده کارآمد از منابعی است که متناسب با نظریه مبتنی بر رقابت بخشی و کوته‌نگرانه برای بودجه مضاعف نیست . این گام ها به جای انعکاس نبرد سازمانی بر سر منابع، به نظر یک مجموعه برنامه های هماهنگ برای افزایش ظرفیت حمله هسته‌ای اول ایالات متحده است .

برخی ممکن است متعجب شوند که آیا تلاش های مربوط به نوسازی هسته‌ای ایالات متحده در واقع برای تروریست ها متصور در ذهن طراحی شده‌اند . با توجه به جنگ دائمی ایالات متحده با تروریسم و علاقه دائمی ایالات متحده در نابودی انبارها و پناهگاه های دفن شده (که در تلاش های دولت بوش برای توسعه سلاح های هسته‌ای جدید جهت نابودی اهداف زیرزمینی منعکس است)، فرد ممکن است به این تصور برسد که ترفیع و نوسازی W-76 ها برای کاربرد علیه اهدافی مثل زرادخانه تسلیحات کشتار جمعی یا تروریست های مسکون در غارها طراحی شده است . اما این تبیین درست نیست . ایالات متحده از پیش، بیش از هزار کلاهک هسته‌ای دارد که ظرفیت حمله به پناهگاه ها یا غارهای زیرزمینی را دارا است . اگر نوسازی هسته‌ای ایالات متحده واقعاً دولت های شرور یا تروریست ها را هدف گرفته باشد، نیروی هسته‌ای این کشور نیازی به هزاران کلاهک اضافی زمین به زمین که از برنامه نوسازی W-76 به‌دست می آورد، ندارد . به‌عبارت دیگر نیروی هسته‌ای فعلی و آینده ایالات متحده به نظر برای حمله و خلع سلاح پیشگیرانه علیه روسیه و چین طراحی شده است .

به‌علاوه پیگیری عامدانه برتری هسته‌ای کاملاً سازگار با سیاست اعلام شده گسترش تسلط جهانی ایالات متحده است . استراتژی امنیت ملی سال ۲۰۰۲ دولت بوش آشکارا بیان می دارد که هدف ایالات متحده ایجاد برتری نظامی است : «نیروهای ما آنقدر قوی خواهند شد که دشمنان ما را از پیگیری افزایش قدرت نظامی به امید برتری یا برابری با ایالات متحده بازدارد . » به همین دلیل، ایالات متحده آشکارا به‌دنبال برتری نظامی در تمام ابعاد تکنولوژی مدرن نظامی است، هم در بعد زرادخانه های متعارف و هم در بعد توانایی های هسته‌ای . برای مثال پیگیری برتری هسته‌ای واشینگتن به تبیین استراتژی دفاع موشکی کمک می کند . منتقدین دفاع موشکی استدلال می کنند که یک سپر دفاع موشکی مثل مدلی که ایالات متحده در کالیفرنیا و آلاسکا به‌کار گرفته است، به آسانی با غباری از کلاهک ها و موشک هایی که به وسیله روسیه یا چین شلیک می شوند، درهم شکسته می شود . حق با آنهاست : حتی یک سیستم پیچیده با عناصری که در زمین، هوا، دریا و یا فضا مستقر باشد بعید است که بتواند از ایالات متحده در برابر یک حمله هسته‌ای عمده حمایت نماید . اما نتیجه‌گیری آنها که چنین سیستم دفاع موشکی‌ای دیگر بی ارزش می نماید اشتباه است- همانگونه که حامیان دفاع موشکی استدلال می کنند که، به دلایل مشابه، چنین سیستمی می تواند تنها برای دولت های شرور و تروریست ها و نه سایر قدرت های اصلی هسته‌ای موضوع نگرانی باشد . آنچه که هر دو بلوک از آن غافلند این است که نوع سیستم دفاع موشکی که ایالات متحده احتمالاً و منطقاً به‌کار خواهد گرفت عمدتاً در قالبی تهاجمی و نه دفاعی ارزشمند است- به مثابه کمکی به ظرفیت حمله اول ایالات متحده نه صرفاً یک سپر . اگر ایالات متحده یک حمله هسته‌ای را علیه روسیه یا چین آغاز نماید، کشورهای هدف با یک زرادخانه کوچک به حال خود رها خواهند شد- البته اگر اصلاً زرادخانه‌ای باقی بماند . در این موقع حتی یک سپر دفاع موشکی نسبتاً ضعیف یا ناکارا کافی خواهد بود که در برابر هر گونه حمله متقابل محافظت نماید، چرا که دشمن نابود شده کلاهک های معدود و ابزارهای رها شده‌ای خواهد داشت .

طی جنگ سرد واشینگتن بر زرادخانه هسته‌ای اش متکی بود نه تنها برای بازداشتن حمله هسته‌ای دشمن بلکه برای بازداشتن پیمان ورشو از سوءاستفاده از برتری نظامی متعارفش برای حمله به اروپای شرقی .

عمدتاً همین ماموریت دوم بود که باعث شد واشینگتن تعهد «عدم استفاده اول» از تسلیحات هسته‌ای را کنار بگذارد . اکنون که چنین ماموریتی منسوخ و کهنه شده است و ایالات متحده در هر حال در حال آغاز کسب مجدد برتری هسته‌ای است، انکار دائمی واشینگتن در مورد اجتناب از حمله اول و توسعه ظرفیت دفاع موشکی محدود، از نگاهی جدید و احتمالاً تهدیدآمیزتر استفاده می کند . مهمترین نتیجه‌گیری منطقی این است که ظرفیت جنگ هسته‌ای همچنان به‌عنوان جزء مهم دکترین نظامی ایالات متحده باقی می ماند و اینکه برتری هسته‌ای همچنان هدف ایالات متحده است .

■ نگرانی را رها کنید و بمب را دوست بدارید

طی جنگ سرد تخریب قطعی متقابل (MAD) مباحثی را پیرامون عقلانی بودن برتری هسته‌ای که اندکی فراتر از مباحث صرفاً تئوریکی بود برانگیخت . بازها آغاز برتری هسته‌ای آمریکا را بدون تردید به مثابه توسعه‌ای مثبت می‌نگرند . در نزد آنها MAD تاسف‌بار است چراکه ایالات متحده را در برابر حمله هسته‌ای آسیب‌پذیر رها ساخت . استدلال آنها این است که با سپری شدن MAD واشینگتن آنچه را که استراتژیست ها به آن به‌عنوان «افزایش چیرگی» اشاره می کنند دارا خواهد بود- یعنی توانایی پیروزی در جنگ در هر سطح خشونت‌باری- و بنابراین موقعیت بهتری می یابد که امیال دولت های خطرناکی مثل چین، کره شمالی و ایران را کنترل نماید . از سوی دیگر کبوترها از دنیایی واهمه دارند که در آن ایالات متحده احساس آزادانه‌ای برای کاربرد تهدید به زور- و شاید حتی استفاده از آن- در پیگیری اهداف سیاست خارجی اش می یابد . در نگرش آنان تسلیحات هسته‌ای تنها زمانی که قدرت های هسته‌ای به طور برابر آسیب‌پذیرند می تواند باعث صلح و ثبات شود . جغدها هم نگران این هستند که برتری هسته‌ای منجر به واکنش های بی ثبات بدون توجه به نیات ایالات متحده در بخش هایی از دولت های دیگر می شود . به تصور آنها [در چنین وضعیتی] روسیه و چین آنچنان به فعالیت می پردازند که با ساخت موشک های بیشتر زیردریایی ها و جنگنده‌ها، قرار دادن کلاهک های بیشتری بر روی تسلیحات شان، نگاه داشتن نیروهای هسته‌ای خود در بالاترین سطح هوشیاری در زمان صلح و در پیش گرفتن سیاست های انتقام‌آمیز تندتر آسیب‌پذیری خود را کاهش دهند . استدلال جغدها این است که اگر روسیه و چین چنین اقداماتی را اتخاذ کنند، خطر جنگ هسته‌ای تصادفی، غیرمجاز و یا حتی عمدی - به‌ویژه در زمان بحران- به سطحی می رسد که تا سال ها قابل تخمین نیست . در نهایت منطق پیگیری برتری هسته‌ای باید در متن اهداف سیاست خارجی ایالات متحده ارزیابی شود . هم‌اکنون ایالات متحده در صدد حفظ برتری جهانی اش است که دولت بوش آن را اینگونه بیان کرده است : توانایی اجتناب از ظهور رقبای برابر و ممانعت از دولت های ضعیف‌تر از اینکه مبادا ایالات متحده را در مناطقی حساس به چالش بکشند . اگر ایالات متحده به این عقیده برسد که برتری برای امنیتش ضروری است، سپس مزایای برتری هسته‌ای ممکن است این خطر را افزایش دهد، اما اگر ایالات متحده سیاست خارجی محدودتری را بپذیرد- برای مثال، تعهد تردیدآمیز در مورد صادر کردن زوری دموکراسی آغاز حمله نظامی برای ممانعت از تکثیر سلاح های کشتار جمعی و کنترل شدیدتر بر افزایش به چالش کشندگان ایالات متحده- مزیت های برتری هسته‌ای با خطرات خود انجام خواهد پذیرفت .

منبع : Foreign affairs

نکته

بسیاری از منابع ادعا می کنند که چین در تلاش برای کاهش آسیب‌پذیری موشک های بالستیک خود با ساختن زرادخانه‌های پراکنده کرده است . اما این پراکندگی شالوده‌ای محکم برای بازدارندگی فراهم نمی‌آورد . تقریباً یک‌هزار زرادخانه پراکنده و فریبی قلابی نیاز است که ضربه اول ایالات متحده به چین را همچون حمله به روسیه دشوار نماید و اطلاعات در دسترسی در مورد نیروهای هسته‌ای چین وجود ندارد که وجود حوزه‌های گسترده پراکنده را بیان دارد . و حتی اگر چین آنها را بسازد، فرماندهانش همیشه متعجب می شوند که آیا حسگرهای ایالات متحده می تواند تمایز میان زرادخانه‌های واقعی با زرادخانه‌های قلابی را از هم بازشناسد .

بخش پایانی

متفکران سیاسی

درباره لشک کولاکوفسکی

سیاست اخلاقی

رضا پارسا

بخش اول

لشک کولاکوفسکی متفکر معاصر لهستانی اگرچه خود را همچنان مارکسیسم می نامد، اما برخی بر این اعتقادند که این «مارکسیسم» با رویکرد اخلاقی و آزادیخواهانه‌ای که او به سیاست و عرصه قدرت دارد، برخوردار از ذاتی لیبرالیستی است و شاید از همین روی باشد که خواندن درسگفتارهای کوتاه او با عنوان «درس های کوچک در باب مقولاتی بزرگ» برای یک خواننده لیبرال نیز بسیار آموزنده و سرخوشانه به نظر می آید .

کولاکوفسکی در جوانی اعتقاد به مارکسیسم، لنینیسم را تجربه کرد و ده سال پس از پیروزی جنبش اصلاح طلبی لهستان در سال ۱۹۶۶ از کمیته مرکزی حزب در لهستان اخراج شد . او اخراج شد صرفاً از آن روی که انتقادهایش از سرکوب و بی عدالتی حاکم در جوامع سوسیالیستی از نظر حزب سخنانی یاس‌آور و ارتجاعی تلقی می شد . نتیجه چنین تجربه‌ای نیز نگارش کتابی سه‌جلدی در شناخت «جریان های اصل در مارکسیسم» توسط کولاکوفسکی بود که در حقیقت نگاهی انتقادی به تاریخ اندیشه های سوسیالیستی و جنبش ها و حزب های برآمده از آنها را به نمایش می گذاشت .

او در مقدمه این کتاب با انتقاد از کسانی که کمونیسم را تحریف مارکسیسم می دانند، نوشته بود : «آنها که کمونیسم را تحریف و خیانت به مارکسیسم می شمارند، در واقع می خواهند مارکس را از قید هر مسئولیتی در قبال کردار آنهایی که خود را خلف معنوی او می دانند وارهانند . بر همین سیاق، رافضی ها و فرقه گرایان قرن های شانزدهم و هفدهم که کلیسای روم را به خیانت در رسالت خویش محکوم می کردند، می خواستند دامن پولس رسول را از هرگونه آلودگی به فساد روم پاک و منزه نگاه دارند . دوستداران نیچه نیز می کوشند نامش را به مسئولیت کردار و ایدئولوژی نازی ها نیالایند . انگیزه مسلکی این گونه تلاش ها به اندازه کافی روشن است . اما ارزش اطلاعاتی این تلاش ها کم و بیش هیچ است . »

در خوانش این جملات آنچه بیش از همه خود را بر ما آشکار می سازد، صداقت و صراحت لهجه این نویسنده لهستانی در بیان است که این البته یکی از ویژگی های منحصر به فرد کولاکوفسکی در تمام گفتارها و نوشتارهایش نیز هست؛ آنچه که در نهایت به اخراج او از حزب هم منتهی شد .

ردپا و نشانی از صراحت کولاکوفسکی در سخن

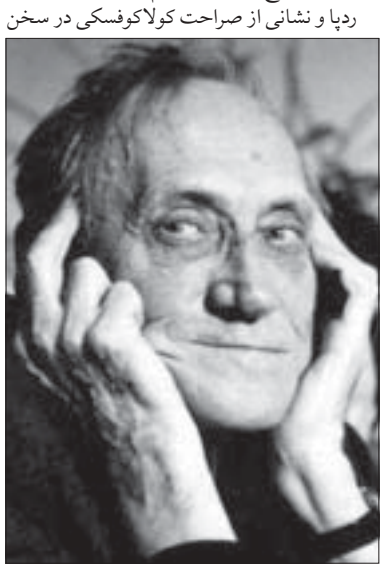

را در همان اولین مقاله او که در سال های جوانی نوشته و به طرز عجیبی از صافی سانسور نیز نگذشته بود، می توان یافت؛ مقاله‌ای با عنوان «مرگ خدایان» که نوشته‌ای است علیه مدینه فاضله کمونیستی : «هنگامی که در سن هجده سالگی کمونیست می شویم، خود را برادر کمونواردهای پاریسی می بینیم، برادر کارگران انقلابی روس و سربازان جنگ داخلی اسپانیا . پس در برابر خود هدفی داریم که همه چیز را موجه جلوه می دهد و تحمل شنیدن صدای کسانی را نداریم که ما را به اعتدال و احتیاط فرامی خوانند . »

چنین انتقادها و انتقادهایی مشابه اما به ماجرای «اکتبر لهستان» انجامید؛ آن گاهی که جنبش اصلاح طلبی لهستان پیروز و «ولادیسلاوگومولکا» به دبیرکلی حزب انتخاب شد .

با این حال چه بسیار بودند مقاله های کولاکوفسکی که پنهان از دید سانسورچی های حزب در دست تجدیدنظرطلبان می چرخیدند و یکی از این مقاله ها نیز مطلبی بود با عنوان «سوسیالیسم چیست؟» که کولاکوفسکی در ابتدای آن نوشته بود : «می خواهیم بگوییم که سوسیالیسم چیست، اما قبل از آن باید بگوییم که سوسیالیسم چه چیز نیست . » او مقاله را بدین ترتیب چنین ادامه داده بود که :

«سوسیالیسم جامعه‌ای نیست که در آن فردی بی آنکه کار خلافی انجام داده باشد، در خانه اش انتظار آمدن پلیس را بکشد، جامعه‌ای نیست که در آن کسی بدبخت است چون افکارش را بر زبان می آورد و دیگری سیه روز است چون از ابراز اندیشه هایش خودداری می ورزد، کشوری نیست که در آن کسانی به صرف تملق گویی و تمجید از رهبران بهتر از دیگران زندگی کنند، کشوری نیست که از آن نتوان خارج شد، کشوری نیست که خودش مشخص کند که چه کسی و چگونه می تواند از آن انتقاد کند . »